

## تبیین ابعاد و مؤلفه‌های بحران انتظامی<sup>۱</sup>

دکتر سهراب خان محمدی<sup>۲</sup>، دکتر غلامرضا معمارزاده<sup>۳</sup> و

سرهنک ستاد حسین وفادار<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۸۹/۲/۲۰

### چکیده

**زمینه و هدف:** تعریف مشخص هر پدیده، امکان تحلیل منطقی و علمی آن را فراهم نموده و با ایجاد زمینه برای هدف‌گذاری دقیق، تدوین درست راهبردها و هدایت مناسب اقدامات اجرایی، شرایط را برای مدیریت کارآمد آن مهیا می‌سازد. هدف اصلی این پژوهش، مفهوم‌شناسی بحران در حوزه دانش پلیسی از طریق تبیین ابعاد و مؤلفه‌های بحران انتظامی است. دو سؤال اصلی پژوهش عبارت‌اند از: بحران از دیدگاه انتظامی چیست؟ ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل دهنده بحران با رویکرد انتظامی کدام‌اند؟

**روش:** تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی است و مطالعات اکتشافی به روش کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی انجام و پس از تدوین ادبیات موضوع، جامعه خبره از متخصصان انتظامی انتخاب با استفاده از پرسشنامه و به روش دلفی از آنها پیرامون ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل دهنده بحران انتظامی نظرسنجی شد. براساس روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی داده‌ها (AHP) نظرات تخصصی خبرگان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**یافته‌ها:** مناسب‌ترین تعریف بحران انتظامی عبارت است از مجموعه شرایط و وضعیتی که ارزش‌ها و اهداف سازمانی نیروی انتظامی در خطر باشند و ابعاد سه‌گانه تهدیدات علیه دستاوردهای انقلاب اسلامی، تهدیدات علیه نظم و امنیت اجتماعی و تهدیدات علیه آسایش عمومی و فردی، ابعاد اصلی بحران در این رویکرد می‌باشند. **نتیجه‌گیری:** وقوع بحران از هر نوع تهدیدات امنیتی و نیازهای امنیتی مرتبط با وظایف و مأموریت‌های نیروی انتظامی را ایجاد می‌نماید و ناجا در تمامی بحران‌ها دارای مسئولیت بحران‌ستیزی است. ابعاد سه‌گانه بحران انتظامی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیگر تقسیم می‌شوند و از تجزیه و ترکیب آنها اشکال گوناگون بحران در سطوح مختلف قابل تعریف و تحلیل است.

### کلیدواژه:

بحران Crisis management، مدیریت بحران Crisis management، امنیت Security، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی داده‌ها

Analytic Hierachy Process(AHP)، نیروی انتظامی Police

□ **استناد:** خان محمدی، سهراب و معمارزاده، غلامرضا و وفادار، حسین (۱۳۸۹، بهار). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های بحران انتظامی. *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم، شماره اول*، ۱۰۱-۱۱۷.

۱. مقاله حاضر، مستخرج از رساله دکتری تحت عنوان «طراحی مدل مدیریت بحران برای نیروی انتظامی» است.
۲. استاد گروه مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد اسلامی.
۳. استادیار مدیریت دولتی دوره عالی تحقیقاتی دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

## مقدمه

بحران به وضعیتی اطلاق می‌گردد که با تهدید شدید، عدم قطعیت و احساس فوریت همراه است. طیف وسیعی از پدیده‌ها مانند فجایع طبیعی و تکنولوژیک، ستیزه‌ها، آشوب‌ها و اقدامات تروریستی می‌توانند در این تعریف جای گیرند (روزنتال، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵). بحران ابعاد و جوانب مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را تحت تأثیر قرار می‌دهد و عوامل ایجادکننده آن نیز متفاوت هستند. لذا با توجه به دیدگاه‌های مختلف، توسط اندیشمندان حوزه‌های متنوع علمی برای آن تعاریفی ارائه شده است. این تعاریف اغلب بر: شرایط فقدان تصمیم، غافلگیری و زمان محدود برای واکنش، مورد تهدید قرار گرفتن اهداف و ارزش‌ها، افزایش احتمال بی‌ثباتی، درگیری، خصومت و خشونت دلالت دارند (بوث، ۱۹۹۳، ص ۶۷).<sup>۲</sup>

تعاریف متعدد و دلالت‌های آنها نشان می‌دهند که بحران دارای ماهیتی چندوجهی و با وجود تنوع مصادیق در سطوح مختلف، قابل تحلیل است (میتروف، ۱۹۹۴، ۱۰).<sup>۳</sup> هر نوع آن با شدت و ضعف متفاوت، با سلامت و امنیت جامعه مرتبط و نیروی انتظامی به‌عنوان متولی اصلی نظم و امنیت جامعه، مسئولیت فراگیر در کنترل انواع بحران‌ها را برعهده دارد.

ویژگی بحران‌ستیزی ناجا و عدم تعریف مشخص از بحران در حوزه دانش پلیسی موجب شده است تا واحدهای نیروی انتظامی در هر بحرانی - که می‌تواند ناشی از کارکرد سایر نهادهای جامعه باشد - در قالب نیروی واکنشی وارد عمل شده و تنها به اقدامات مقابله‌ای در حین بحران بپردازد و از فرصت‌هایی که در قبل و پس از بحران وجود دارند غافل می‌شود. بررسی وقایع سال‌های گذشته مانند حادثه ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و آشوب‌های به‌وجود آمده در مناطق مختلف کشور، مؤید این ادعا است. به‌عنوان نمونه در حادثه کوی دانشگاه، خواسته صنفی دانشجویان با سوءتدبیر مسئولین دانشگاه به مسئله‌ای سیاسی تبدیل شد و بعد از ایجاد شرایط بحرانی، نیروی انتظامی را برای کنترل امور در مرحله حین بحران وارد نمودند. در حالی که اهداف سازمانی ناجا محدود به شرایط اوج بحران نبوده و بایستی با اقدامات پیشگیرانه از تبدیل شدن پدیده‌های عادی به شرایط بحرانی جلوگیری نمود.

این مهم با تعریف دقیق بحران تحقق می‌یابد و با شناسایی و تعیین ابعاد و مؤلفه‌های

1. sense of emergency

2. Booth, 1993, p. 67

3. Mitroff, 1994, p. 10

آن است که نیروی انتظامی قادر خواهد بود در اجرای مسئولیت بحران‌ستیزی خود، نسبت به کنترل و مقابله با ابعاد و مؤلفه‌های بحران قبل از تبدیل شدن آن به موضوع امنیتی اقدام نماید. شرایطی که باعث می‌شود تدابیر ناجا در مرحله قبل از بحران کارساز گردد و هزینه‌های مادی و معنوی اقدامات واکنشی در مرحله حین بحران، کاهش یابد. لذا نیروی انتظامی نیازمند تعریف بحران در حوزه علمی مربوط به خود است و این تحقیق با هدف تأمین این نیاز از طریق مفهوم‌شناسی بحران در حوزه دانش پلیسی، به دنبال پاسخگویی به سوالات اساسی زیر است:

۱. بحران از دیدگاه انتظامی چیست؟

۲. ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل دهنده بحران در رویکرد انتظامی کدام‌اند؟

## مروری بر مبانی نظری

### تعاریف مفهومی

■ **مفهوم بحران:** بحران جزء جدایی‌ناپذیر و همیشگی جوامع نوین است (میتراف و نگناس، ۱۳۸۱، ص ۶۰) و ویژگی بارز آن تغییر اساسی در فرآیندهایی است که ممکن است بر متغیرهای ساختاری نظام تأثیر بگذارد (برچر و جیمز، ۱۳۶۸، ص ۹۶). این مفهوم در یک رابطه هم‌نشینی و یا جانشینی با مفاهیم دیگر همچون، امنیت، قدرت، منافع، اهداف، مصالح، ارزش‌ها، تهدیدات و فرصت‌ها که جملگی از مفاهیم مبهم و سیال هستند مصادیق خود را پیدا می‌کنند (بوزان، ۱۹۸۳، ص ۸)<sup>۱</sup>. براین مبنا در پاره‌ای از ادبیات موضوعی و تخصصی، اندیشمندان ترجیح داده اند به جای مفهوم بحران از مفاهیم جایگزین مانند عدم ثبات، جنگ، شورش و غیره استفاده نمایند (برچر، ۲۰۰۰، ص ۴۳)<sup>۲</sup>.

■ **تعریف بحران:** از دیدگاه واژه‌شناسان، بحران عبارت است از تغییر عظیمی که به‌طور ناگهانی در یک وضعیت خاص صورت می‌پذیرد. فرهنگ لغات وبستر<sup>۳</sup> بحران را نقطه عطف بهتر بودن یا بدتر بودن معنا کرده است (کلانتا، ۱۳۸۳، ص ۳۰۱). در دیدگاه اقتصادی، بحران بر حسب حرکت منفی در متغیرهای اقتصاد کلان و شکست سیاست‌های اقتصادی دولت تعریف می‌شود و پژوهشگران این عرصه برای مطالعه بحران و نحوه اداره آن به دنبال محرک‌های

1. Buzan, 1983, p. 8

2. Brecher, 2000, p. 43

3. Webster

اقتصادی و سیاسی هستند (اسلاتر، ۱۹۸۴).<sup>۱</sup> جامعه‌شناسان، بحران را در بی‌عدالتی موجود در جامعه، مشکلات اجتماعی و موارد مشابه می‌دانند (گر، ۱۳۷۹، ص ۹۷). روان‌شناسان، بحران را بی‌هویتی افراد و یا پوچ‌گرایی انسان‌ها و هیجان‌ات کاذب آنها تعریف می‌کنند. از این منظر فرد و عکس‌العمل وی در برابر بحران مورد مطالعه قرار می‌گیرد (کاپلان، ۱۹۷۰).<sup>۲</sup> دانشمندان علم مدیریت، بحران را بر اساس میزان اثراتی که بر سازمان و ساز و کارهایی که برای کنترل بحران به کار می‌گیرند تعبیر و تفسیر می‌کنند (رضوی، ۱۳۸، ص ۲۴). دیدگاه سیستمی نیز بحران را عبارت از شرایطی می‌داند که در کارکرد سیستم اخلال ایجاد نماید.

در تعریف وضعیت بحرانی با رویکرد تصمیم‌گیری بر سه عامل زیر تاکید شده است: اهداف مطلوب،<sup>۳</sup> محدودیت و فشار زمانی برای تصمیم‌گیری،<sup>۴</sup> غافلگیری<sup>۵</sup> و عدم آگاهی. یعنی هدف‌های عالی و حیاتی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کنند، زمان واکنش را برای اتخاذ تصمیم محدود می‌سازند و عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافل گیر می‌کنند.

بنابراین مفهوم بحران یک اشتراک لفظی است و بر حسب اینکه در چه رشته و موضوعی مورد استفاده قرار می‌گیرد معنی و ویژگی متفاوتی می‌یابد (پرو، ۱۹۸۷)<sup>۶</sup> و چون گرایش‌ها و بینش‌های افراد بر درک و برداشت از آن تأثیر به‌سزایی دارد لذا نمی‌توان یک تعریف جامع و مورد قبول همگان ارائه داد.

■ چرخه بحران: برخی اندیشمندان معتقدند که به‌طور اصولی تکرار رویدادها بدین معنی است که اتفاقات به گونه چرخه‌یی حرکت می‌کنند و چرخه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت و بسیار بلندمدت را تشکیل می‌دهند و تأکید می‌کنند با تشخیص این چرخه‌ها و تفسیر و تعبیر صحیح آنها می‌توان آینده تحولات را پیش‌بینی نمود (باترا، ۱۳۶۸، ص ۲). هرمان کان<sup>۷</sup> در یک تعریف ماهوی از بحران ۴۴ پله یا مرحله قابل تشخیص را در نردبان «تشدید وضعیت» معین کرده است. این مراحل از یک تحریک خیلی جزئی شروع

1. Slatter, 1994

2. Capllan, 1970

3. Threat to valued goal

4. Restricted decision time

5. Surprise

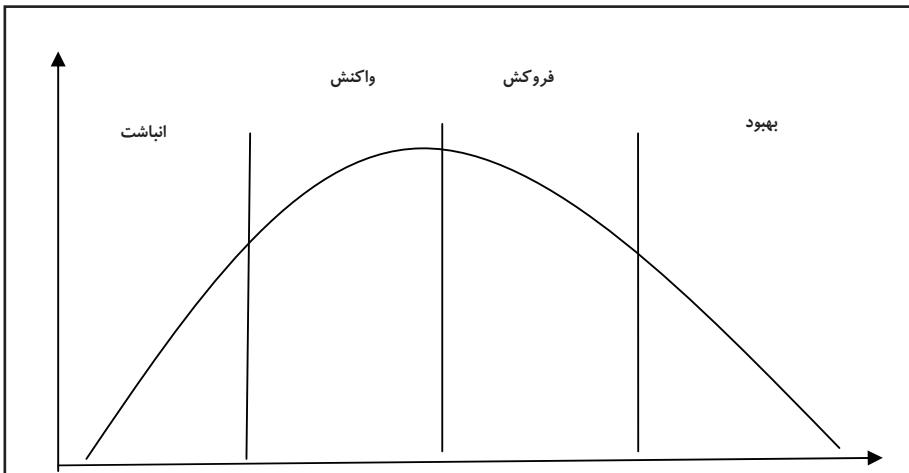
6. Perrow, 1987

7. Herman Kahn

و به مرحله نهایی جنگ تمام‌عیار هسته‌ای ختم می‌شود وی در این مرزبندی افزایش تدریجی بحران را وسیله مفیدی برای مدیریت بحران‌ها می‌داند (کازمی، ۱۳۷۹، ص ۲۶).

براساس الگوی «نردبان تشدید وضعیت»، بحران‌ها از چهار مرحله مختلف عبور می‌نمایند:

۱. *انباشت بحران* که طی آن نشانه‌های بحران به مرور خود را نشان می‌دهند؛
۲. *شکل‌گیری بحران* یا بروز آن که به شکل یک واقعیت ملموس و تهدیدکننده خود را نشان می‌دهد؛
۳. *مرحله واکنش بحران* یا مرحله مزمن که دامنه بحران به شدت کاهش یافته و در لایه‌های زیرین قرار می‌گیرد؛
۴. *مرحله بهبود* و برطرف شدن تهدیدات که مرحله پایانی بحران است و آن‌را می‌توان خاتمه یافته تلقی کرد.



نمودار ۱. الگوی نردبان تشدید وضعیت

درجه‌بندی و انواع بحران: با شناخت سطوح و درجات بحران به آمادگی و اقدامات اولیه مقابله با آن کمک می‌شود (میتروف، ۱۹۸۸، ص ۱۵)<sup>۸</sup> و بر اساس این سطح‌بندی می‌توان فهمید که چه زمان باید به سازمان‌ها و مراکز مسئول در مورد بروز وضعیت

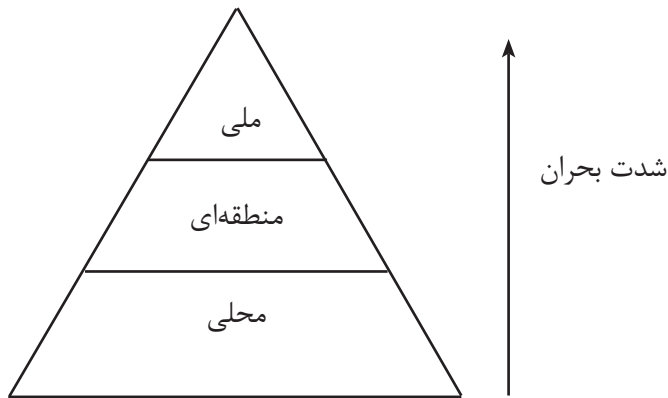
8 Mitroff, 1988, p. 15

اضطراری در جامعه هشدار داد، در چه صورت برای مقابله با بحران به امکانات و کمک‌های ویژه احتیاج خواهیم داشت، چه زمانی شرایط فوق‌العاده اعلام شود. و آیا تحت چه شرایطی نیاز به بسیج ساکنین و تخلیه مناطق هست؟ (درابک و هواتمر، ۱۳۸۳، ص ۳). لذا از اقدامات اساسی برای مدیریت بحران، درجه‌بندی بحران‌ها و تشخیص اندازه و حجم آنها همراه با پیش‌بینی توانمندی مورد نیاز برای حل بحران است. مبنای متفاوتی را می‌توان برای طبقه‌بندی بحران‌ها مورد توجه قرارداد:

پارسونز سه نوع بحران را بیان می‌کند:

۱. بحران‌های فوری: این بحران‌ها دارای هیچ‌گونه علامت هشداردهنده قبلی نیستند و سازمان‌ها نیز قادر به تحقیق در مورد آنها و نیز برنامه‌ریزی برای دفع آنها نمی‌باشند.
  ۲. بحران‌هایی که به صورت تدریجی ظاهر می‌شوند: این بحران‌ها به آهستگی ایجاد می‌شوند و می‌توان آنها را متوقف کرد و یا از طریق اقدامات سازمانی محدود ساخت.
  ۳. بحران‌های ادامه‌دار: این بحران‌ها، هفته‌ها و ماه‌ها حتی سال‌ها به طول می‌انجامد و استراتژی مواجه شدن با این بحران‌ها به فشارهای زمانی، گستردگی کنترل و میزان عظیم بودن وقایع بستگی دارد (رضوی، ۱۳۸۵، ص ۲۱).
- بحران‌ها را با توجه به وسعت و محدوده جغرافیایی آنها می‌توان به سه دسته تقسیم نمود (امیری، ۱۳۸۷، ص ۴۷):

۱. سطح محلی: زمانی که منابع محلی کافی و برای پاسخگویی سریع فراهم باشد.
  ۲. سطح منطقه‌ای: زمانی که منابع محلی کافی نبوده و برای پاسخگویی سریع به فوریت‌های چندگانه نیاز است.
  ۳. سطح ملی: زمانی که پاسخگویی از توانایی محلی و منطقه‌ای خارج است.
- بر اساس این تقسیم‌بندی هر چه از بحران محلی به سمت بحران ملی حرکت کنیم، طبق نمودار ۲ شدت آن افزایش می‌یابد.



نمودار ۲. شدت بحران بر حسب وسعت و محدوده جغرافیای

■ **امنیت، نظم و انتظام:** امنیت یک مفهوم چند وجهی است و به همین جهت درباره معنای آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد. تعاریف مندرج در لغت‌نامه‌ها درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۷، ص ۴۳). لذا از نظر لغوی به معنای «ایمن شدن، در امان بودن و بیمناک نبودن» است و از نظر اصطلاحی امنیت عبارت است از اطمینان خاطری که بر اساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند.

جمع کردن اجزا مختلف بر یک شیوه و روش و مرتب کردن آنها را نظم گویند. نظم در فرهنگ لغت وبستر چنین تعریف شده است: «به نظم قرار دادن یعنی مرتب کردن یا در معنای دیگر، مجموعه‌ای از مردم که به روال مخصوص قرار گیرند و در معنای توصیفی آن قرار گرفتن افراد و اشیا در جایگاه ویژه خودشان نسبت به یکدیگر».

انتظام که از واژه نظم گرفته می‌شود، به معنای فعل چیدن و قرار دادن اجزاء در یک روش خاص است (کلهر، ۱۳۸۸، ص ۸۶). نظم، انتظام و امنیت لازم و ملزوم یکدیگر هستند. جامعه بدون نظم و انتظام فاقد امنیت است و فقدان امنیت مصداقی برای بی‌نظمی است.

■ **امنیت، انتظامی:** امنیت انتظامی مفهومی است که از دو واژه امنیت به معنای سلبی آن یعنی «عدم تهدید منافع حیاتی و ارزش‌های یک واحد سیاسی» و انتظام به معنای «ساماندهی یک محیط و تنظیم عوامل و مقررات در یک جامعه یا محیط در تعامل میان دولت و مردم» ترکیب می‌گردد. چون پلیس متولی اصلی امنیت انتظامی، هر کشور است، بر این مبنا، آنچه می‌تواند در حوزه امنیت فردی و انسانی تأمین‌کننده امنیت احاد اجتماع

باشد، می‌تواند وظیفه و مأموریت‌های اصلی و عمده پلیس و نیروی انتظامی را در سطح جامعه تعریف کند (رولند، ۲۰۰۱، ص ۸۹)<sup>۱</sup>.

## روش

این تحقیق از نظر نوع و هدف کاربردی و از نظر روش و ماهیت توصیفی تحلیلی است و برای تدوین ادبیات موضوع، از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. جامعه آماری ۲۵ نفر از افسران ناجا که از نظر تحصیلات، سنوات خدمت، سوابق اجرایی و تجارب عملی دارای ویژگی خبرگی در امور انتظامی و بحران بودند انتخاب شدند و به منظور بهره‌گیری از نظرات آنان در تبیین ابعاد و مؤلفه‌های بحران انتظامی، تکنیک دلفی که روش مناسبی برای نظر سنجی و تعیین اهمیت مؤلفه‌ها در تصمیم‌گیری گروهی است مورد استفاده قرار گرفت. لذا با مراجعه به خبرگان و انجام مصاحبه‌های حضوری ابعاد بحران انتظامی و مؤلفه‌های آنها شناسایی و زمینه برای تنظیم پرسشنامه نهایی به وجود آمد و از پاسخ‌دهندگان درخواست گردید به طبقه‌بندی شاخص‌ها به تفکیک در ابعاد سه‌گانه بحران پردازند و چنانچه شاخص دیگری نیز مدنظر باشد اعلام نمایند. بعد از جمع‌آوری نتایج و تلفیق و تعدیل‌های لازم، شاخص‌های نهایی برای ابعاد بحران و سطوح مختلف آن مشخص شده و پرسشنامه اصلی پس از اعتباریابی صوری دوباره به اعضای جامعه ارسال و درخواست شد، اهمیت نسبی شاخص‌ها را در هر سطح به صورت دو به دو نسبت به یکدیگر مشخص سازند و همچنین به‌طور ذهنی نیز اولویت‌بندی شاخص‌های مطرح در هر سطح را انجام دهند، تا تطبیق و هم‌خوانی نتایج حاصله از اولویت‌بندی شاخص‌ها به‌صورت کمی و نظری امکان‌پذیر شود. برای اولویت‌بندی مؤلفه‌ها از تکنیک فرآیند تحلیل سلسله مراتبی<sup>۲</sup> که به AHP موسوم است استفاده گردید.

## یافته‌ها

در تعاریف متعددی که از بحران با رویکردهای متفاوت ارائه گردید، به‌طور ویژه به این موضوع تأکید شده است: «بحران عبارت از وضعیتی است که ارزش‌ها را مورد تهدید قرار داده و مانعی برای تحقق اهداف سازمانی باشد.» به استناد این موضوع، جامعه خبره در تعریف بحران انتظامی، آن‌را مجموعه شرایطی دانستند که ارزش‌های نیروی انتظامی مورد تهدید قرار گرفته و اهداف سازمانی آن در معرض خطر باشد. ماده چهار قانون تشکیل

1. Roland, 2001, p. 89

2. Analytic Hierarchy- Process (AHP)



ناجا اهداف سه‌گانه نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی، استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش عمومی و فردی را به‌عنوان اهداف نیروی انتظامی دانسته است بر این اساس در معنای عینی بحران انتظامی عبارت از وضعیتی است که اهداف موصوف مورد تهدید واقع شوند و در بیان دیگر می‌توان گفت: ۱- تهدید علیه دستاوردهای انقلاب اسلامی ۲- تهدید علیه نظم و امنیت اجتماعی ۳- تهدید علیه آسایش عمومی و فردی، ابعاد اصلی بحران انتظامی را تشکیل می‌دهند که پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه بر اساس یافته‌های تحقیق مؤلفه‌های مربوط به هر کدام از ابعاد به شرح ذیل شناسایی شدند:

الف) تهدیدات علیه آسایش عمومی و فردی: در این بخش ۶ مؤلفه نهایی گردید و با استفاده از تکنیک AHP مورد مقایسه قرار گرفتند (جدول ۱).

جدول ۱. مؤلفه‌های تهدیدات علیه آسایش عمومی و فردی

رتبه	وزن (%)	مؤلفه
۱	۸۸	قاچاق و توزیع مواد مخدر
۲	۷۵	وقوع جرایم جنایی
۳	۷۳	قاچاق کالا
۴	۶۴	وقوع جرایم منکراتی و مفساد اجتماعی
۵	۳۳	فرار مجرمین
۶	۳۰	معطلات ترافیکی

ب) تهدیدات علیه نظم و امنیت اجتماعی: در این زمینه در مورد ۷ مؤلفه اجماع نهایی حاصل شد و به صورت زوجی مورد مقایسه قرار گرفتند (جدول ۲).

جدول ۲. مؤلفه‌های تهدیدات علیه نظم و امنیت

رتبه	وزن (%)	مؤلفه
۱	۱۰۰	بحران‌های طبیعی
۱	۱۰۰	شورش
۲	۸۷	اغتشاش
۳	۶۳	برقراری اجتماعات غیر قانونی
۴	۵۹	برهم زدن اجتماعات قانونی
۵	۵۴	ورود و خروج و اقامت غیر مجاز در کشور
۶	۴۳	نگهداری سلاح و مهمات

ج) تهدیدات علیه دستاوردهای انقلاب اسلامی: در این رابطه، نسبت به ۵ مؤلفه اجماع حاصل گردید و مؤلفه‌ها به صورت زوجی مورد مقایسه قرار گرفتند (جدول ۳).

جدول ۳. مؤلفه‌های تهدیدات علیه دستاوردهای انقلاب

رتبه	وزن (%)	عنوان مؤلفه
۱	۷۳	ترور شخصیت‌ها و مسئولین نظام
۲	۶۶	تهدید و تجاوزات مرزی
۳	۵۸	حمله به اماکن و تأسیسات دارای طبقه‌بندی
۴	۵۲	خرابکاری
۵	۴۸	جاسوسی برای بیگانگان

لازم به توضیح است نرخ سازگاری (CR) رتبه‌بندی مؤلفه‌ها در مراحل سه‌گانه فوق به ترتیب ۰/۰۴، ۰/۰۵، ۰/۰۷ می‌باشد و چون در هر سه مرحله  $CR < ۰/۱$  می‌باشد، لذا می‌توان ادعا نمود تکمیل پرسشنامه‌ها به صورت صحیح و منطقی صورت گرفته و ابزار تحقیق از روایی و پایایی خوبی برخوردار می‌باشد.

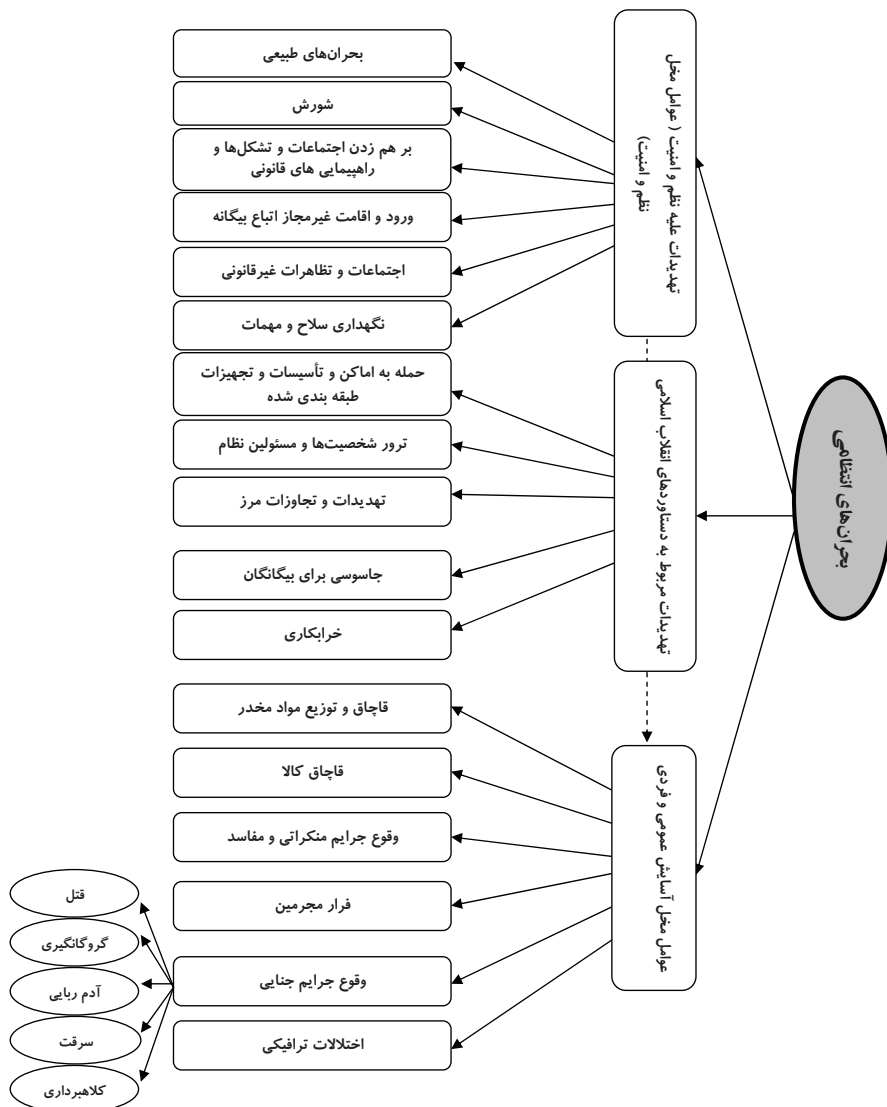
### بحث و نتیجه‌گیری

تحولات اجتماعی باعث شده نظریه‌های مختلف امنیتی، برای حفاظت مناسب از جامعه، با توجه به شرایط و پیچیدگی‌های جدید، تحول یافته و نقش پلیس در ایجاد امنیت، به‌ویژه در سطح فراملی، کارکرد بسیار تعیین‌کننده و تقویت‌کننده‌ای برای امنیت ملی پیدا کند. نظریه‌های امنیتی را می‌توان در دو سطح خرد و کلان مورد بررسی قرار داد. بررسی کارکردهای پلیس نشان می‌دهد مباحث امنیت ملی و بین‌المللی، به‌عنوان حوزه امنیتی کلان، تا حد زیادی از قلمرو موضوعات اصلی پلیس خارج و مأموریت آن بیشتر به مسایل داخلی مربوط است. لذا تعریف بحران باید بر حسب این اولویت صورت گیرد.

امروزه وظیفه اصلی پلیس با توجه به پیچیدگی‌های جامعه متحول شده است. جرایم در جامعه به شکل سازمان‌یافته پدیدار می‌شوند (تریف، کرافت، جیمز و مورگان، ۱۳۸۱، ص ۵). برخلاف کارکرد اصلی پلیس که سلبی است و به فعالیت غیرجنگی و غیرنظامی اختصاص دارد، کارکردهای جدید وجهه‌ایابی دارد و معطوف به انتقال شرایط جنگی به صلح است (اروین، ۲۰۰۹، ص ۴).<sup>۱</sup> مباحثی که در این رابطه مورد نظر می‌باشد ابتدا

1 Erwin, 2009, p. 4

نمودار ۳. نمودار درختی ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده برای بحران انتظامی



پیشگیری از زمینه‌های وقوع جرم و ایجاد فضا و جو آرامش در جامعه است. رسیدگی سریع به تخلفات، عادلانه بودن اعمال قانون و خویشتن‌داری در موقعیت حساس، زمینه جرم را کاهش می‌دهد (روکسان، ۱۹۹۷، ص ۱۰).<sup>۱</sup> یافته‌های تحقیق با این دیدگاه همسویی دارد و چنانچه نیروی انتظامی در مسئولیت بحران‌ستیزی به کنترل و مقابله با جرایم بپردازد نوعی پیشگیری از بحران را انجام داده است.

یکی از وظایف پلیس در شکل سنتی، مقابله با شورش‌های اجتماعی است؛ اما در شکل جدید، پلیس می‌تواند فراتر از نیروی سرکوب‌گر شورش و ناامنی، به‌عنوان میانجی برای ایجاد صلح در جامعه یا فراتر از جامعه عمل نماید (اوکلی، ۲۰۰۹).<sup>۲</sup> این کار در فرآیند کلی، در سه مرحله طراحی می‌گردد. اقدامات پلیس در مرحله اول شامل کاهش شورش از طریق حضور و هدایت دیپلماسی یا میانجی‌گری بی‌درنگ برای رفع اختلاف می‌شود. در مرحله دوم، پلیس باید با دفع حمله، اقداماتی برای جدا کردن گروه‌های مبارز، ایجاد منطقه حایل بین نیروهای درگیر، نظارت بر جمع شدن، تجهیز دوباره نیروها، پاکسازی تسلیحات (مثل مین‌ها) جمع آوری اسلحه، ایجاد آرایش نظامی، نظارت بر گروه‌های غیر مسلح یا شبه مسلح بپردازد و اقدامات مرحله سوم شامل کنترل شورش و ناآرامی، مداخله علیه گروه‌های مسلح، حفظ نظم و قانون داخلی، کشف و جلوگیری از جرایم و بیرون بردن افراد عادی از منطقه خشونت آمیز است (بیلینگر، ۲۰۰۹، ص ۲۱).<sup>۳</sup>

از جمله اقدامات مهم پلیس، آمادگی برای مقابله با حملات تروریستی به منابع زیربنایی، حمل و نقل (به‌ویژه هوایی و مترو)، امور اقتصادی و بهداشتی است که در حوزه امنیت سرزمینی و داخلی قرار می‌گیرد. این بخش از وظایف نیروی پلیس به‌طور معمول با همکاری دیگر بخش‌های امنیتی کشور انجام می‌پذیرد. مجموعه کارکردهای جدید پلیس نشان می‌دهد پلیس می‌تواند در حوزه امنیت داخلی و سرزمینی نقش بسیار پررنگی بازی کند (زند، ۱۳۸۷، ص ۱۹). هرچه نقش پلیس در ایجاد امنیت برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بهتر فراهم گردد، تأمین امنیت توسط پلیس برای ایجاد بستر امن برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بهینه شده و برقراری امنیت هر منطقه در جذابیت محل برای فعالیت‌های جهان‌گردی، بهره‌وری و موقعیت اقتصادی، تأثیرگذار می‌باشد (ویکی‌پدیا، ۲۰۰۹).<sup>۴</sup>

1 Roxane, 1997, p. 10

2 Oakley, 2009

3 Billinger, 2009, p. 21

4 Wikipedia, 2009

نقش پلیس در امنیت ملی هم از وجوه گوناگونی برخوردار است. اگر پلیس نماد ادارهٔ جمعی، اجتماعی، ملی و رسمی کشور باشد، در خدمت امنیت ملی است (فوکویاما، ۱۳۷۰، ص ۶۳). هر چند پلیس با مباحث امنیتی فراملی یا مباحث امنیتی که ثبات نظام سیاسی را به خطر می‌اندازد، ارتباط وثیقی ندارد و اگر چنین شرایطی در کشوری پدید آید مسئولیت اصلی پیگیری آن بر عهده دیگر دستگاه‌ها است. این مبانی مؤید یافته‌های تحقیق است و وظیفه پلیس در بدو امر، حل مسأله برای جلوگیری از بدل شدن آنها به بحران امنیتی است. مطالعه حاضر بر مبنای تاکید بر این مهم بود تا با تعیین ابعاد و مؤلفه‌های مسائلی که می‌توانند در حوزه مأموریتی ناجا بحران‌ساز شوند، زمینه برای مدیریت مطلوب بحران فراهم شود. لذا در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت: نتیجه تحقیق در پاسخ‌دهی به سؤال اول نشان داد بحران انتظامی عبارت از شرایط و وضعیتی است که ارزش‌ها و اهداف سازمانی ناجا در خطر باشند و سه بُعد تهدید علیه دستاوردهای انقلاب، تهدید علیه نظم و امنیت اجتماعی و تهدید علیه آسایش عمومی و فردی، ابعاد اصلی آن را تشکیل می‌دهند. اما برای پاسخ سؤال دوم، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با نظم و انتظام شناسایی و با تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد:

الف - تهدیدات مذکور با همدیگر مرتبط هستند ضمن اینکه هر کدام به صورت انتزاعی قادر خواهند بود زمینه را برای یک بحران انتظامی ایجاد نمایند و قابلیت تبدیل به یکدیگر را نیز دارا می‌باشند. همچنین می‌توانند همدیگر را تقویت کرده و سرعت ایجاد بحران را افزایش دهند.

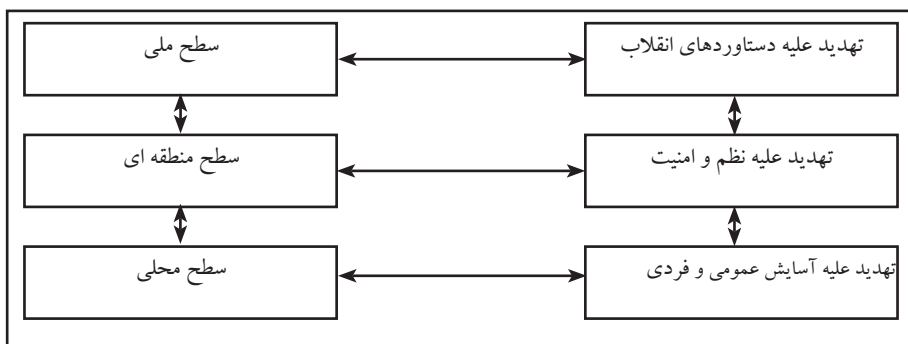
ب - مؤلفه‌های این ابعاد به صورت عادی و با رعایت استانداردهای تعریف‌شده در ادبیات پلیسی نمی‌تواند بحران تلقی شود، لیکن عبور آنها از حد استاندارد و تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها در ابعاد سه‌گانه اصلی گامی مؤثر در تبدیل این موارد به بحران انتظامی خواهد بود همچنان‌که وقوع هر کدام از جرایم با نگرش به متغیرهایی مانند جمعیت، وسعت حوزه استحفاظی، جرم‌خیزبودن منطقه و... در میزان مشخص، قابل قبول و در صورت افزایش بیش از حد شرایط بحرانی را برای واحد انتظامی ایجاد خواهد کرد.

ج - در گام بعدی امکان شاخص‌سازی مؤلفه‌ها وجود دارد و با تعیین شاخص‌ها تبیین دقیق‌تری برای بحران انتظامی ایجاد می‌شود. برای مثال مؤلفه وقوع جرایم جنایی با مواردی مانند قتل، گروگانگیری، آدم‌ربایی، سرقت مسلحانه و... شاخص‌سازی می‌شود (ابعاد و مؤلفه‌ها در نمودار درختی ۳ بخش یافته‌ها نشان داده شده‌اند).

د - ابعاد سه گانه بحران انتظامی در سطوح مختلف قابل تحلیل هستند، بحران تهدید علیه آسایش عمومی و فردی در پایین ترین سطح، بحران تهدید علیه نظم و امنیت اجتماعی در سطح فراتر از آن و بحران تهدید علیه دستاوردهای انقلاب در بالاترین سطح بایستی مورد تحلیل قرار گیرند.

### پیشنهادهای:

۱. برای بهره گیری کاربردی از نتایج تحقیق، ابعاد سه گانه بحران انتظامی با سطوح محلی، منطقه ای و ملی حاصل از سطح بندی کلی بحران ها تلفیق شود تا الگوی زیر حاصل گردد.



نمودار ۴: الگوی ابعاد سه گانه بحران انتظامی براساس سطوح مختلف

۲. با استفاده از این الگو وظایف و مسئولیت های رده های مختلف ناجا در مقابله با بحران تا پایین ترین سطح تفکیک شوند. بحران تهدید علیه آسایش عمومی و فردی در سطح محلی قابل تحلیل است و یگان های محلی مانند کلانتری و پاسگاه ها مسئولیت مقابله با آن را دارند، بحران تهدید علیه نظم و امنیت، بحرانی است که در سطح منطقه و فراتر از سطح محلی باید مورد تحلیل قرار گیرد و این نشان دهنده اهمیت بیشتر آن در مقابل تهدید علیه آسایش عمومی و فردی است. برای مقابله با این بحران واحدهای منطقه ای ناجا مانند فرماندهی استان ها و شهرستان ها به کار گرفته می شوند. بحران تهدید علیه دستاوردهای انقلاب در سطح ملی تحلیل می شود و فراتر از دو بحران قبلی است و مسئولیت مقابله با رده های کشوری نیروی انتظامی است.

۳. اثرگذاری و قابلیت تبدیل هر کدام از بحران‌ها به بحران دیگر و وجود زمینه تقویت بحران‌ها توسط یکدیگر نیز در این الگو مورد توجه قرار گیرد.

۴. برای مقابله با تبدیل شدن یک بحران به بحران بزرگتر، متناسب با هر رده، ستاد بحران پیش‌بینی شود تا بتوانند در حیطه مسئولیت خود اقدامات مورد نیاز برای پیشگیری و مقابله با بحران را انجام دهند.

## منابع

### منابع فارسی:

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۴). *رتش و سیاست*. تهران: قومس.
- امیری، عبدالرضا (۱۳۸۷). *بحران‌های طبیعی و نظم و امنیت اجتماعی*. تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، پژوهشکده امنیتی انتظامی.
- باترا، راویندرا ان. (۱۳۶۸). *بحران بزرگ ۱۹۹۰* (خسرو اسدی، مترجم). تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (نشر اثر اصلی ۱۹۸۷).
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس* (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی (نشر اثر اصلی ۱۹۹۱).
- برچر، میشل و جیمز، پاتریک (۱۳۶۸). *بهمن و اسفند*. شیوه‌های مدیریت بحران‌های بین‌المللی (جمشید زنگنه، مترجم). *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۹، ۲۷-۳۵.
- بوث، سایمون (۱۳۸۳). *بهار*. شبیه‌سازی تعاملی و آموزش مدیریت بحران: فنون جدید برای بهبود عملکرد (حسین حسینی، مترجم). *فصلنامه سیاست دفاعی، سال دوازدهم*، شماره ۲ (پیاپی ۴۶)، ۱۲۱-۱۳۴. باز یابی از <http://www.magiran.com/magtoc.asp?mgID=1317&Number=46&Appendix=0>
- افتخاری، اصغر (گردآورنده و مترجم) (۱۳۸۱). *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دراک، توماس ای؛ هواتمر، جرال دجی. (۱۳۸۳). *مدیریت بحران: اصول و راهنمای عملی برای دولت‌های محلی* (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، مترجم). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (نشر اثر اصلی ۱۹۹۱).
- رضوی، حمیدرضا (۱۳۸۵). *تیر*. مدیریت بحران سازمانی. *ماهنامه تدبیر*، سال ۱۷، شماره ۱۷۰، ۲۰-۲۵.
- حسینی، حسین (۱۳۸۳). *بهار*. مدیریت بحران و تصمیم‌گیری، سناریوهای مبتنی بر شبیه‌سازی (معرف کتاب). *فصلنامه سیاست دفاعی، سال دوازدهم*، شماره ۲ (پیاپی ۴۶)، ۱۳۵-۱۴۳. باز یابی از <http://www.magiran.com/magtoc.asp?mgID=1057&Number=170&Appendix=0>
- زندى، داود (۱۳۸۶). *بهار و تابستان*. امنیت اجتماعی در پرتو شیوه‌های حل کشمکش‌های اجتماعی. *فصلنامه امنیت عمومی*. شماره ۲ و ۳، ۱۴-۱۹.
- فوکو، میشل (۱۳۷۰). *قدرت/انضباطی و تابعیت* (قدرت، فرا انسانی یا شر شیطانی). ترجمه فرهنگ رجائی، تهران: نشر مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- لوکس، استیون (ویراستار) (۱۳۷۰). *قدرت: فرا انسانی یا شر شیطانی* (فرهنگ رجایی، مترجم). تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (نشر اثر اصلی ۱۹۷۷).

- کلانتا، گالیس (۱۳۸۰). *بحران* (مؤسسه تحقیقاتی روابط عمومی، مترجم). تهران: مؤسسه تحقیقاتی روابط عمومی.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۶). *مدیریت بحران‌های بین‌المللی*. تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۹). *مدیریت سیاسی و خط مشی دولتی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کلهر، رضا (۱۳۸۸). *درآمدی بر امنیت انتظامی*. تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، پژوهشکده امنیتی انتظامی.
- گر، تد رابرت (۱۳۷۷). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند* (علی مرشدزاده، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی (نشر اثر اصلی ۱۹۷۱).
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). *چهره متغیر امنیت ملی* (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی (نشر اثر اصلی ۱۹۹۴).
- میتزاف، ای. ای.؛ آنگناس، گاس (۱۳۸۱). *مدیریت بحران پیش از رویدادن: آنچه هر رئیس و مدیری می‌بایست دربار*  
مدیریت بحران *بباند* (محمود توتونچیان، مترجم). تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی (نشر اثر اصلی ۲۰۰۰).

#### منابع انگلیسی:

- Buzan, B. (1983). *People, states and fear: The national security problem in international relations*. Brighton: Wheatsheaf.
- Booth, S. (1993). *Crisis management strategy, competition and changes in modern enterprises*. New York: Routledge:
- Brecher, M., & Wilkenfeld, J. (2000). *A study of crisis*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Billinger, N. G. (2009). *Report of the Special Swedish Commission on International Police Activities*. Retrieved from <http://carnegie.org/fileadmin/Media/Publications/PDF/Policing%20the%20New%20World%20Disorder.pdf>
- Caplan, G. (1970). *The theory and practice of mental health consultation*. New York: Basic Books, Inc.
- Herman, C.f. (ed.). *International crisis: Insights from behavioral research*. New York: Free Press.
- Mitroff, O. I. (1988). Crisis managing Cutting through the confusion. *Sloan management review*, 29(2), 15-20.
- Mitroff, I. I. (1988, winter). Crisis management: cutting through the confusion. *Sloan Management Review*, 15-20.
- Mitroff, I. I. (1994). Crisis management and environmentalism: A natural fit. *California Management Review*, 36(2). 101-113.
- Parnell, J., A., Crandall, W. R., & Menefee, M. L. (1997). Management perceptions of organizational crisis: A cross-cultural study of Egyptian managers. *Academy of strategic*, 1(1), 8-19. Retrieved from [www.alliedacademies.org/Publications/Journals/asolj1-1.pdf](http://www.alliedacademies.org/Publications/Journals/asolj1-1.pdf)
- Perrow, C. (1984). *Normal accidents: Living with high risk technologies*. Princeton, New Jersey: Princeton university Press.
- Schmidt, E. A. (1972). *Police function in peace operations: An historical overview*. In Robert B. Sismanidis, R. D. V. (1997). *Police Functions in Peace Operations: Report from a workshop organized by the United States Institute of Peace* (Peaceworks No. 14). Washington, DC,



- United States:United States Institute of Peace (USIP). Retrieved from <http://www.usip.org/publications/police-functions-peace-operations/pwks14.pdf>
- Slatter, S. S. P. (1984). *Corporate recovery: A guide to turnaround management* (The Penguin business library). Harmondsworth: Penguin Books.
- Oakley, R. B., Dziedzic, M. J., & Goldberg, E. M. (1998). *Policing the new world disorder: Peace operations and public security*. Washington, D.C.: National Defense University. Retrieved from [http://www.ndu.edu/inss/books/Books\\_1998/Policing%20the%20New%20World%20Disorder%20-%20May%2098/chapter11.html](http://www.ndu.edu/inss/books/Books_1998/Policing%20the%20New%20World%20Disorder%20-%20May%2098/chapter11.html).
- Wikipedia. (2009). *Internal Security*. Wikipedia-the free Encyclopedia. Retrieved from [http://en.wikipedia.org/wiki/Internal\\_Security](http://en.wikipedia.org/wiki/Internal_Security).